



نشریه ماهانه:
3rd Series, Issue 75
سری سوم، شماره 75
مهر 98، September 2019

سر دبیر: مینو همتی
Editor-in-chief: Mino Hemati
Email: minohemati@gmail.com
مدیرمسئول: شراره رضایی
Managing editor: Sharareh Rezaei
Email: shararehrezai.p@gmail.com



مطالب
دختر آبی با نثار جان خود حاکمیت سیاه ارتجاع اسلامی را به لرزه انداخت
مینو همتی
عبور از نظام اسلامی با کدامین ابزار؟ ثریا شهبابی
نامه‌های مشترک از زندان اوین خطاب به فعالان و جامعه
سازمان الهیاری/ غسل محمدی/ ندا ناجی/ مرضیه امیری
سپیده تولدت مبارک
نقاشی سیاه قلم از: مریم "رونیا" رضائی گیوی
نام نقاشی "مزه شیرین عدالت!"
فوبیا شیمیا مقدم
پارلمان اروپا خواستار پایان دادن به سرکوب زنان در ایران شد!
غروب سحر م.ش (هستی)
محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران، از مجازات اعدام برای همجنسگرایان دفاع کرد
اصغر (علی) کامروا
صفحه خبری
● انتقال امیرحسین محمدی_فرد به سلول انفرادی در اعتصاب غذا
● عدم ترخیص نوزادان خانواده اهوازی به دلیل عدم توانایی در پرداخت صورتحساب بیمارستان
● ممنوعیت موتورسواری زنان، دامن اورژانس اجتماعی را می‌گیرد؟
● تلخ اما واقعی/ ترک تحصیل ۲۰۰ دانش‌آموز در کهنگیلویه و بویراحمد
● لایحه ی مقابله با خشونت علیه زنان با حذف واژه ی "زن"
راه های تماس با سازمان رهایی زن و نمایندگان آن در شهرها و کشورهای مختلف
معرفی سایت های برنامه های تلویزیونی، نشریه ها و تلگرام



تا آزادی رهایمان

از آنسوی تاریخ می آیم
از اعناق تاریکی
با چراغی در دست... بان ای نمک!
ای همه عظمت
دو ستار تاریکی
پسوده می کوشی
«ایستاده جان دادن» این است حدیث نهام ما!
رفتن و رفتن
عاشقانه قیمت دادن
قیمت برابری و آزادی
قیمت "انسان" بودن...

به نشریه رهایی زن بپیوندید
برای نشریه رهایی زن مطلب و مقالات "اجتماعی، حقوقی، روانشناسی، جامعه شناسی، بهداشتی، تجارب و گزارش های شخصی. از زندگی زنان (خودتان) و کودکان...، شعر، اخبار، گزارش، ترجمه، معرفی کتاب و فیلم های خود را می توانید به آدرس ایمیل های زیر ارسال کنید.
Markazi@RahaiZan.org

دختر آبی با نثار جان خود حاکمیت سیاه ارتجاع اسلامی را به لرزه انداخت

تعداد قابل ملاحظه ای از زنان در کشورهای اسلامزده، تحت فشارهای ضد انسانی قوانین شرع و سنتهای زن ستیز و عقب مانده ناشی از آن، دست به خودکشی و یا عمدتا خودسوزی میزنند. خبر این تراژدیهای روزمره در لابلای خبرها گم میشوند و به فراموشی سپرده میشوند و تنها در خاطرات تلخ بازماندگان جاودان میمانند.



با اینکه خودسوزی دلخراش سحر خدایاری از عمق درد درون وی از اینهمه بیعدالتی و ظلم مرتجعین حاکم بر زنان و بخصوص زنان جوان حکایت داشت، لیکن این یک خودسوزی ساده و معمولی نبود، مکان و زمان آن آگاهانه انتخاب شده بود تا مسببین آن را در انظار کل جامعه بشری به محکمه وجدانهای بیدار بکشاند.

از پس این تراژدی دلخراش، دو پاسخ متضاد را شاهد بودیم، یکی از طرف مرتجعین حاکم برای سرپوش گذارن بر این جنایت حاکمیت که ناشی از تبعیض جنسیتی سیستماتیک حکومت اسلامی است و در جبهه مقابل با واکنش انسانی اقتشار گوناگون مردم از جمله جوانان، هنرمندان و ورزش دوستان و ورزشکاران در سراسر جهان و در گرامیداشت دختر آبی و دفاع از حقوق برابر زنان و مردان و علیه آپارتاید جنسیتی در استادیوم های ورزشی از خوزستان و شمال ایران، کابل افغانستان تا ایتالیا، اسپانیا، انگلستان، آلمان و هنگ کنگ و دیگر نقاط جهان را شاهد بودیم.

ورزش دوستان و ورزشکاران در سراسر جهان و در گرامیداشت دختر آبی و دفاع از حقوق برابر زنان و مردان و علیه آپارتاید جنسیتی در استادیوم های ورزشی از خوزستان و شمال ایران، کابل افغانستان تا ایتالیا، اسپانیا، انگلستان، آلمان و هنگ کنگ و دیگر نقاط جهان را شاهد بودیم.

دلیم برای دختران ایرانی میسوزد
واکنش بازیکن تیم زنان بارسلونا به پرواز ابدی سحر



طبیعی است هر گاه مسابقه ای در جریان باشد و زنان پشت درهای استادیوم ها حضور خواهند داشت و یاد و نام دختر آبی، سحر خدایاری، تلاشهای مشترک زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب برای فروریختن دیوارهای تبعیض را به ثمر خواهد نشاند. جنبشی که با جسم و جان سحر شعله ور شد تا فتح کامل استادیومها ادامه خواهد داشت و مرتجعین حاکم مجبور به تن دادن به این خواست برحق و برابری طلبانه زنان و مردان ورزش دوست خواهند شد. باهم به گزارشهای تصویری از بازتاب خودسوزی اعتراضی سحر خدایاری توجه میکنیم.

مینو همتی
سردبیر نشریه رهایی زن

عفو بین الملل «خواستار آزادی بی قید و شرط #عسل محمدی شد



این سازمان در گزارش خود نوشت: عسل محمدی صرفا به دلیل فعالیت هایش در دفاع از حقوق کارگران و رسانه ای کردن موارد نقض حقوق بشر هدف قرار گرفته و با اتهاماتی چون «عضویت در گروه هایی با هدف اخلال در امنیت ملی»، «تبلیغ علیه نظام» و «نشر اکاذیب» به ۱۸ سال زندان محکوم شده است.

این بی عدالتی شرم آور باید متوقف شده و او باید بی درنگ و بدون قید و شرط آزاد شود.

جرم عسل محمدی، عضو تحریریه نشریه گام، حمایت از اعتراض کارگران هفت تپه به گرسنگی و فلاکت در برابر رانت خواری «کارآفرینان» و فساد «خصوصی سازی» است. او در این راه عقب ننشسته و به همین خاطر این روزها در زندان اوین اسیر شده است. ما نیز برای لغو اسارت او و دیگر فعالین کارگری عقب ننشینیم و برای آزادی شان مصمم تر از پیش قدم برداریم.



عبور از نظام اسلامی با کدامین ابزار؟
ثریا شهابی

، نگران قدرتمندیه محرومین طبقه کارگره ، در مقابل حرکت از پایین برای به زیر کشیدن خامنه ای و کل حاکمیت جمهوری اسلامی برای خلع ید از جمهوری اسلامی در همه ابعاد نظامی ، اقتصادی ، سیاسی به میدان آمده ، متعلق به طبقه حاکمه ، طبقه ای که منفعت داره در اینکه نظام کاپیتالیستی در ایران حفظ بشه ، یک حرکت راست و بورژواویه ، متعلق به بخشی از اپوزوسیونه که پروژه های قبلیش ، برون مرزی و خارج کشوری که متکی به ناتو و تحریم و جنگ ترامپ و ایا بود ، شکست خورد و پیروز نشد در سناریوها ، الان مدل درون مرزیش را تماما وزنی و داخلی به اتکاء لیستی از کنشگرانی در ایران که در خطر دستگیری و زیر فشار هستند به اعتبار اینها داره مهندسی میکند ، این ادامه همون حرکت درون مرزی قفتوس و پروژه های سر به ناتو و سر به ترامپ و پروژه های رژیم چنج و انقلابات مخرلی داره ، به اعتقاد من اینها پروژه های انقلاب مخملیست الان به هر حال این تلاش ، تلاش در شرایط دیگری است و تفاوتش با تلاشهای دیگه اینه که یک جنبش حی و حاضر در پایین در جامعه داره حاکمیت را به چالش میکشه خوبه تاکید کنم که یک دلیل و پایه سوختن پروژه های قبلی این نوع دخالت توی تغییر در حاکمیت در ایران وجود این تحرک جدی و سراسری کارگری و چپی توی جامعه ایران بود ، که بعد از هفت تپه و فولاد ، کلا چهره سیاسی در ایران و صف بندی نیروها را تغییر داد ، تغییری که توی دل این تغییر ، طبقه کارگر ، آزادیخواهی و عدالتخواهی این طبقه ، رنگش را به سراسر ایران و اعتراضات در ایران زده ، شما عکسی بگیرید از اعتراضاتی که توی ایران ، ببینید کجایش ربطی داره به این تحرکی که امثال این بیانیه ها دارند راه میندازند و چقدر محکم از زندان تا کارخانه ، از خیابان تا مدرسه در تب و تابه ، توی ایران دیگه نمیشه از فردای تغییر نظام صحبت کرد و از تحولات سیاسی حرف زد ، بدون اینکه این جنبش را در نظر گرفت ، بی بی سی نوشت همین چند ماه پیش توی گزارشی که آیا طبقه کارگر ایران در تحولات سیاسی میتواند نقشی ایفا کنیم ، برای اولین باره که در تمام تاریخ تحولات سیاسی در ایران که این سؤال میاد روی میز راست که آیا طبقه کارگری ایران سهمی خواهد داشت در تغییر حاکمیت ، در شکل دادن به آینده ایران یا نه ؟

این حاصل تئوری و حقانیت تئوری و تحلیلهای کمونیستها و ما نیست ، این علنا فشار جنبش چپ و کمونیستی و کارگری است که خودش را به راست تحمیل کرده ، این



میکند ، آن هدف انتخاب بین ادامه جمهوری اسلامی است یا تغییر از بالا و به قدرت دسته جات و باندهای قدرت نظامی و اقتصادی و نهادهای حاکم . بقای نظام که ممکن نیست ، به همین دلیل دسته جاتی از درون در حال عبور از خامنه ای هستند و تلاش میکنند که یک کیسی را برای آینده قدرت سیاسی در ایران مهندسی کند . اینکه قدرت سیاسی به چه شکلی در خواهد آمد و توسط چه کسی و چه قدرت و نیرویی این قدرت سیاسی اعمال میشود ؟ این بیانیه در واقع یک تحرکی است برای جواب دادن به این سؤال . این یک جنبشی است که از بالا در مقابل جنبش از پایین . ببینید الان جنبشی توی زمینی سفت توی جامعه ایران در جریان ، جنبش برای آزادی ، رفاه و امنیت به قدرت طبقه کارگر و مردم متشکل که با جنگ و دندان میخواهند شوراهایشان را درست کنند ، اداره شورایی فریاد جامعه ایران ، فریاد محرومین از پایین ، این تحرکی که به اسم بیانیه 14 نفره معروف شده و تعدادی را متأسفانه دستگیر کردن و ما طبعاً خواهان آزادی همه فعالین سیاسی هستیم ، مستقل از فاصله و دوریهای سیاسی و مخالف سرکوب هر جریان سیاسی هستیم با این وجود این تحرک تماماً در مقابل تحریک پایینه ، تماماً در مقابل قدرتی که در پایین داره شکل میگیرد ، قدرتی که در پایین داره متشکل میشه به نظر من به جنبش و طبقه ای تعلق داره و به نیاز طبقه ای پاسخ میده که منفعتی توی جنبشی که امروز در جریان ندارند ، نه تنها منفعتی در پیروزی این جنبش ندارند و نه تنها در کنار و به موازات آن نیستند ، از یک راه دیگری بلکه تماماً در مقابل اون ، در مقابل قدرت پایینه ، از قدرت پایین بیشتر میترسند ، تا بقای نظام . نگران سرنگونی نیست ، نگران جنگ و فروپاشی جامعه نیست

اینروزها شاهد بروز لیستهای چهارده نفره رجال و بانوان فعال اجتماعی و مدنی برای عبور از جمهوری اسلامی در فضای رسانه ای هستیم که دست بدست میچرخد . با اینکه نظام اسلامی به امضا کنندگان این بیانیه ها چنگ و دندان نشان میده . ما ضمن حمایت از حق شهروندی و آزادی بیان و عقیده این افراد لازم میدانیم کل این حرکت را مورد نقد و بررسی قرار دهیم و جایگاه چنین حرکتی را در فضای سیاسی اجتماعی موجود نمایان نمائیم .

https://youtu.be/H1_io82V_K8
در برنامه امروز با ثریا شهابی مدافع حقوق زنان و کودکان از فعالین مارکسیست ، به بررسی تاز عبور مسالمت آمیز از یکی از مخوفترین حکومتهای فاشیستی دو قرن اخیر میپردازیم .

ثریا شهابی عزیز با سلام به برنامه رهائی زن خوش آمدید .

مینو همتی: با اینکه حرکت وسیع زحمتکشان در دیماه 96 عملاً بیانگر عبور اکثریت جامعه از حاکمیت اسلامی سرمایه به حساب میآید با اینحال ما شاهد امضا علنی تعدادی از فروریختگان نظام اسلامی برای عبور مسالمت آمیز از جمهوری اسلامی هستیم . این بیانیه ها به نیاز چه طبقه ای پاسخ میدهند؟

ثریا شهابی: این تحرک معروف به بیانیه 14 نفره جدا از اینکه چه افراد و اشخاصی پای آن امضاء گذاشتن از طرف چه کسانی حمایت شده ، کسانی تحت نام کمونیست ، چپ ، لیبرال ، دموکرات ، اصلاح طلب ، وکیل ، زن ، مرد ، چه کسانی از اینها حمایت کردن ، این بیانیه هدف خاصی را دنبال

باعث شده که بالاخره راست هم تلاش بکنه که سناریوهایی را مطرح کنه ، تلاشهایی بکنه ، از جمله این تلاش بیانیه 14 نفره . شما از یک طرف ایرانی را میبینید که توش اسماعیل بخشیا و میثم المهدیها و علی نجاتیها و تحریریه گام و دستگیر شدگان اول ماه مه ، انواع و اقسام شخصیت‌های چپ ، کارگری ، عدالتخواه ، سوسیالیست و آزادیخواه ، زنانی که علیه آپارتاید جنسی توی میدان انقلاب که معروف شدند به دختران انقلاب و یا در متروها و گل دادن به زنان ، اینها دستگیر شدند ، در ادامه آن مردانی را شاهد بودیم که در حمایت از آنها توی متروها گل دادند ، این تحرک ، این جنبش و تپش ربطی به این بیانیه ها نداره . به هر حال این بیانیه تلاشی در مقابل آنچه که جاری است در جامعه و شخصیت سازیهای در مقابل شخصیت‌های مطرح امروز . نه موسوی ، نه کروبی و نه رهنورد و دوستانشان در خارج کشور نیستند که مطرحند امروز همانطور که گفتم اسماعیل بخشیا و میثم ها و نجاتی ها دستگیریهایی 3 نفره آخر دم دادگاه اینها هستند که توی جامعه نماینده و بازتاب آن اعتراض در پایین جامعه هستند

به هر حال از سر فشار سوختن تمام پروژه هایشان برای تغییر نظام برای ایجاد تغییرات در نظام و برای عبور از خامنه ای ، برای عبور از ولایت فقیه و حفظ نظام با همه سپاه و زندانهایش و وزارت اطلاعات و بساز سودآوری و گسترش فقر و فلاکت ، الان بالاخره یک راه حل جدیدی از توی آستین در آوردن و شروع کردن که اول خامنه ای استعفا بدهد ، بعد کم کم هی فشار واقعیات ، یک قدم ایونوتر ، حالا ما میخوایم همه ئ نظام برود و مسالمت آمیز هم بروند ، این بیانیه اینها را مطرح کرده ، عبور مسالمت آمیز از جمهوری اسلامی یعنی اینکه پایین طبقه کارگر خفه خوان بگیرد و بشینیم و شلوغ نکنیم تا ببینیم آقا کی استعفا میده این اگر توهین به ملت ایران نباشه ، بی تردید نشانه ئ خوردن کفگیر در داخل و خارج به ته دیگه ، همه راهها را امتحان کردند که جای پایی توی اعتراضات در جامعه باز کنند ، هیچکدام از راه هایشان نشکفته پرپر شدند و حالا میخوانند مردم ساکت باشند تا ببینند اینها آقا را راضی میکنند که با زبان خوش استعفا میده یا نه ، ظاهرا تا به امروز خامنه ای به اینش فکر نکرده بود که چطور نظام را از این بن بست نجات دهد ، و بخشی هم امیدوارند که خامنه ای بمیره که یک جوری نظام از ولی فقیه نجات پیدا کرده تا بلکه توی سیستم داخلی خودشان بنشینند و بگن بجای ولی فقیه ، شورای فقها باشه و به

خرده استهاله اش بکنند ، یعنی جمهوری اسلامی را استهاله اش بکنند و ولی فقیه را با حفظ نظام ، حفظ شاخه های سرکوب و دستگیری و سپاه و سود و سودآوری حفظ کنند ، به هر حال این یک پروژه ئ دست راستی و از بالاست و از خطر طبقه ئ کارگر و چپ و سوسیالیزم بیشتر میترسه تا بقای جمهوری اسلامی و حتی فروپاشی و جنگ و تخریب جامعه و برای بازسازی نظام و برای مهندسی یک الگویی است عبور از جمهوری اسلامی ، بدون دخالت پایین که یعنی حفظ تمام نهادهای دولت و دست به دست شدن قدرت از بالا برای این اومده ، پیش شرطش ساکت نگهداشتن پایینه ، اگر جمهوری اسلامی بتواند سرکوب کند و پایین را خفه کند که نمیتوانند ، پروژه اینها میگیره و پروژه اینها امیذش به همینه ، نه عروج به پایین ، عروج به پایین اینها را پس میزنه و تا امروز هم پس زده

مینو همتی: آیا تاریخ باز همانگونه که میخوانند تکرار میشود؟ رژیم شاه در سال 55 عسکراولادی مسلمان را از زندان آزاد کرد تا اپوزسیون اسلامیش را در مقابل با چپ سازمان دهد. آیا رژیم اسلامی هم میخواند اپوزسیون سکولار خود را در برابر چپ و جنبش کارگری سازمان دهد؟

ثریا شهابی: قطعاً میخوانند اپوزسیون ضد چپ را درست کنند ، ضد چپ و جنبش ضد کارگری ، اپوزسیون ضد انقلابی ، ضد تحرک پایین ، ضد قدرت گیری پایین و برای حفظ نظام و حفظ نظام کاپیتالیستی توی ایران و بازسازی نظام بی تردید پروژه برای همین کاره منتها اجازه دهید که من تاکید می کنم بر عنوان سکولار که آنرا عنوان مناسبی برای هیچیک از جریانهای اسلامی و راست نمیدانم ، شاید گفتن اپوزسیون ضد ولایت فقیه و درون خانوادگی عنوان بهتری باشه توی فرهنگ سیاسی جریانات اسلامی بر ضد ولایت فقیه و ضد زیاده روی در تعرض اسلام به مردم به نظر من به اشتباه میگن سکولار ، امروز شما شاهدید که شکست ارتجاع اسلامی تا کجا پیش رفته ، کسی جرات نمیکند از اسلام توی کوچه و خیابان از مردم دفاع کنه ، هیچکس خودش را صاحب تعرضهای 40 سال گذشته نمیکند ، معلوم نیست که کی بوده تمام این سرکوب و آپارتاید جنسی را هیچکس صاحبش نمیشه ، مثلاً کسی مثل الله کرم این شرورترین عنصر انصارالله که یک عمر نفر اول احکام اسپدپاشی و سوزن دوخت زدن به پیشانی زنان بود ، امروز میگه که امر به معروف و تذکر لسانی بدهید و به مردم دست نزنید و بحث نکنید و بلافاصله از منطقه خارج شوید ، یعنی امر به معروفشان تبدیل شده به عنوان

یک وظیفه مذهبی ، حزب الهی که خون میپاشید ، تبدیل شده به ، شما وظیفه خودت را انجام بده و نگاه نکن و جدل نکن ، و فوری هم در رو که شما را نزنند ، باید از اینها عکس گرفت ، برای اینکه ببینند که چه وضعیتیته ، شکست ایدئولوژیک چه ابعدادی به خودش گرفته کسی صاحب تمام فجایعی که اسلام در ایران ایجاد کرده نیست ، الله کرم میگه تقصیر انصارالله نبوده ، تقصیر نفوذیهای کارگزاران بوده ، کارگزاران عناصر نفوذیش توی انصارالله خانمها را اذیت کرده ، یعنی خیلی خیلی جالبه از طرف کارگزاران میگویند که سند رو کنید ، ببینید وضعیتشان از نظر ایدئولوژیکی در چه شرایطیه ، در چنین شرایطی حالا یک عده میگن ولی فقیه نمیخواهیم ، تمام قوانین اسلامی ، تمام سیره ئ اسلامی بر زندگی خصوصی ، شخصی و اجتماعی مردم را عملاً لگدمال کرده که یک جانوری مثل الله کرم امروز میگه فقط بگو حجابت را رعایت کن و فرار کن ، بلکه ما حجاب را بندازیم توی جرائمی مثل جرائم رانندگی یک برکه ئ جریمه بدیم و تخلفات اینجوری ، بلکه جامعه دست از سرمان برداره ، در همچین شرایطی خب عده ای توی حکومت میخوانند نقشی توی اپوزسیون بازی کنند ، هیچکی حاضر نیست عکس بگیره با حزب الله و با تمام فجایعی که بنام اسلام در ایران پیاده کردن ، بقول شما میخوانند عسکراولادی مسلمان را که آزاد کردن در زمان شاه با چپ مبارزه کنه ، به اینم اجازه نسبی دادن ، جمهوری اسلامی هیچ ابایی نداره که آگه شاه هویدا و نصیری را زندانی کرد که یک چهره به اصطلاح ملتفت شده لیبرالی از خودش نشون بده ، اینها ابایی ندارند که روی خودشان قه بکشند ، چون اینکار را قبلاً کردن ، قطب زاده شان را اعدام کردن و رئیس جمهورشان را فراری دادن ، از این نظر آگه میدان عمل نسبی میده که تستشان کنه ، به این معنی نیست که این ظرفیت را نداره که حتی از صفوف خودش روی خودش قه بکشد ، حاضره قربانی بده ، ما مخالف دستگیری سیاسی هستیم ، با توجه به اینکه چقدر اختلاف سیاسی باهاشون داشته باشیم و مخالف سرکوب آنها هستیم ، منتها این پروژه اینها ، شما باید برچسب وکیل مجلس و وکیل دادگستری البته من نمیخوام توهین کنم ، بالاخره تحصیل کرده اند ، بستگی داره در چه زمینه ای تحصیل کرده و در چه راهی ازش استفاده کنند تا خانواده ای که خون سلطنتی در رگهایش جاریه که آقای پهلوی باشه ، پرورنده تحصیلات عالیه داشته باشه ، توی این محافل به اصطلاح تکنوکرات برای خودش کسی باشه ، جامعه باین امید

آمده، اینطور نیست .
 جامعه ایران الان حول رهبران واقعیست داره گرد میآید، و داره متشکل میشه و سازمان پیدا میکند، این حرکت در مقابل اونه، دقیقاً علیه چپ و جنبش کارگری و عدالتخواهی سوسیالیسته طبقه کارگر برای طراحی یک عده برای شاهزاده در اپوزیسیون که خواهان استعفای بالاترین مقام هستند و میخوانند، پایین ساکت باشه و هیچکاری نکنه، فعلاً منتظر بماند تا شاید کم کم آقا راضی شود که خودش برود کنار یا بمیره، تا بعد ببینیم چی میشه، اگه به وقتی سپاه یا یه باندی در سپاه یواشکی یه عده از خودشان را اعدام کرد و یه کودتای مخملی کرد و این مردم هم خفه شدند و بازسازی نظام را بلکه بتوانیم پیش ببریم و یه خورده روابطمان را با غرب بهتر بکنیم، این پروژه روبنای این سناریو است، به هر حال گفتم ما مخالف دستگیری و سرکوب هر معترض سیاسی هستیم از جمله این افراد، اما این موقعیت لوکس و تجملی که اپوزیسیون باین تحرک که سرش به باندهای قدرت داخل وصله را به نظر من نباید قبول کرد، استعفای خامنه ای پیشکشستان، حتی یک کلمه از اینکه چرا اسماعیل بخشی و حامیانشان را مثل جنایتکاران حبس کرده اید، نمیتواند چون برای اینها مهم نیست، برای هدایت برای مبارزه ای که در جریانیه، کسانی که دارند این مبارزه را هدایت میکنند، تلاشی برای کم کردن این فشارها اصلاً توی دستور کار اینها نیست، بهر حال از ادیخواهی اینها به اندازه یی جیب طبقه شان است، و تلاششان هم به اندازه ای است که پایین بهشان امکان ابراز وجود بدهند، که فعلاً همچین خبری نیست، این 14 نفر نمیتوانند نقش عسکر اولادی سال 55 را بازی کنند، میدان مثل اون موقعها خالی از صدای آزادیخواهی طبقه کارگری که با پرچم خودش آمده، نه با پرچم ملی یا ضد امپریالیستی یا قومی یا مذهبی و یا پرچم مرگ بر این و زنده باد اون بلکه با پرچم، رفاه، امنیت، آزادی و نان، کار، آزادی، اداره شورایی، نه مرگ بر ولایت فقیه است یا زنده باد اعلاحضرت و اعلاحضرتهای بعدی که داره لیستش تهیه میشه که قراره توی جنبش اصلاحات که ریزش کردن توی این لیست که مطرح شوند و توی رسانه های دست راستی غرب هم بادش بزنند و بخواهند برای اینها چهره هایی بسازند، میدان خالی برای ابراز وجود فردای اینها نیست، مگر اینکه این جنبش را سرکوب کنند، به خون بکشند و اینها میدان دار بشوند، اگر نه که جامعه ایران، جامعه متفاوتی از سال 55 است و انقلاب دیگری

مثل انقلاب 57 تکرار نمیشود، طبقه کارگر تجربه دار و آگاه و به اضافه بورژوازی که امروز توی ایرانیه، اتفاقاً خیلی صریح حرف میزنه، شما صحبتهای آقای نوری علا را بشنوید میگه از امروز ما باید مقابل کمونیستها بایستیم و خیلی شفاف حرفمان را بزنیم، ما گفتیم با راست اتحادی نداریم، با جمهوری اسلامی میجنگیم، با نماینده ای که حاکمه میجنگیم، با اپوزسیون جدل فکری و سیاسی داریم، در دل جنگمان با نماینده بورژوازی حاکم جدمان را با آنها به پیش میبریم،

و نمیگذاریم که سناریوهایشان پیاده شود، امروز آقای نوری علا میگه که اگه امروز قبل از سرنگونی جمهوری اسلامی نگی که من ضد سوسیالیستم، ظاهراً هیتلر دیکتاتوری بورژوازی نبوده از نظرشون، لابد هیتلر محصول دموکراسی بورژوازی و محصول انتخابات و صندوق رای نبوده که کوره های آدم سوزی راه انداخته، حالا مردم ایران را از دیکتاتوری پرولتاریا میترسانند؟

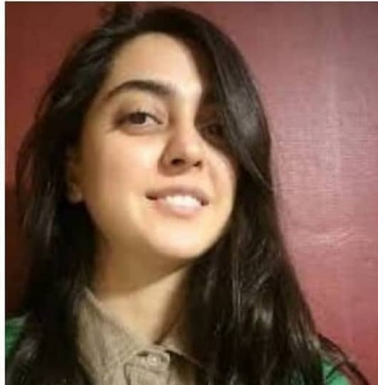
ضدیتش با سوسیالیزم و عدالتخواهی را باید از آقای نوری علا بعنوان یکی از رهبران صریح، راست میگه که قبل از جمهوری اسلامی باید فاصله مان را با آنها اعلام کنیم، طبقه کارگر هم همین را میگه، و در نتیجه این بینابینیها که روی تحقیق جامعه حساب میکنند، یا بقول شما فکر میکنند که کسی میتونه نقش عسکر اولادی را بازی کنه که زندانی بوده و مسلمان بوده و جزو ارتجاع اسلامی بوده که حالا بیاد جلوی چپها را بگیره، به دلیل نوع چپی که اتموقع بود که در اعتراض همه با همیم با اعتراض خمینی فاصله ای نداشت، نقدش به نظام، نقد یکسانی بود که چرا ایران سرمایه داری وابسته است؟ چرا خودمان سوزن نمیسازیم؟ چرا بورژوازی خودی نداریم؟ چرا بیگانگان از ما سودآوری میکنند؟ در واقع خودی از ما سودآوری یکنه، امروز ایران ایطوری نیست، امروز طبقات خیلی شفاف حرفشان را میزنند، این بیانیه را باید بگذاریم کنار تحلیلهایی که امثال نوری علا میدهند که فاصله تان را از جنبش سوسیالیستی کارگر نشان دهیم، جنبش سوسیالیستی کارگر، جنبش رهایی زن، که یک رکن انقلاب سوسیالیستی در ایران خواهد بود، باید فاصله اش را از نسخه های مخرب حتما نشون بدهد و حال به سئوال شما برگردم، پروژه یی جمهوری اسلامی هست یا نه؟ پروژه یی بورژوازی ایران هست، بورژوازی ایران در قدرت از قدرت رانده شده در اپوزسیون که متاسفانه عده ای هم تحت نام چپ و ضدیت با آپارتاید جنسی شال و کلاه کردن

بدو بدو افتادن دنبالش، این حرکتی در مقابل رهایی زنه، این حرکتی در مقابل برابری زن و مرد است و حرکتی بشدت راستی و ضد مردمیه، به اعتقاد من حتی اگر قربانی بگیرن، حتی اگر جمهوری اسلامی تیغ بکشه برایشون، که نتوانند اینکار را بکنند، تغییری در این واقعیت نمیده که ماهیت این جریان چیه، به نظر من هر کسی که خودش را طرفدار رهایی زن میدونه، هر کسی که خودش را طرفدار برابری زن و مرد میدونه، باید فاصله اش را از اینها اعلام کنه و فریب این سناریوهای دست ساز را نخوریم، ما رجوع میکنیم به آن جنبشی که در ایرانیه که علیه بی حقوقی و کارگر و معلمان و بازنشستگان، دانشجویان و زندانیان فعالیت و مبارزه میکنه، ما کنار آنها هستیم

مینو همتی: تتر عبور مسالمت از حکومت فاشیستی اسلام که منشا تمامی خشونتها به زنان، کارگران، دانشجویان و معلمان بوده و هست. حد اکثر به رویاهای کودکانه شباهت ندارد؟
ثریا شهابی: عنوان خوبی را رویش گذاشتید، به نظر من توی رویای کودکانه عناصر جدی تر و واقع بینانه تری را میشه پیدا کرد، تا این سناریوی عبور مسالمت آمیز از جمهوری اسلامی که بقول شما یک فاشیزم اسلامی که در و پدربزرگ ارتجاع اسلامی در جهانیه که توی 40 سال پرونده یی قتل و آدمکشی و تحمیل فقر و فلاکت و یک هولاکاست عظیمی براه انداخته تا توانسته بماند، در واقع به مسخره کردن توان فکری مردم توی ایرانیه، که به سخره گرفتن همه مردم ایرانیه. به نظر من جامعه ایران به اینها به دیده شک نگاه میکنند، اگه کسی پیش دآوری سیاسی، طبقاتی نداشته باشه، اگه کسی شریک دل نگرانیهای اینها از عروج چپ سوسیالیستی و چپ طبقات کارگر نباشه، اگه کسی تعلق عمیقی به گرایش سیاسی اینها برای حفظ نظام کاپیتالیستی نداشته باشه و از انقلاب طبقه کارگر نترسه و یک ذره بدون پیش دآوری به این سناریو نگاه کنه، به نظر من در سلامت مزاج، نه شخصی شان، بلکه در سلامت برنامه سیاسی شان شک میکنه، دچار تردید میشه و بی شک میگه امیدوارم حالشان خوب بشه، با این سناریو اگه بگم کودکانه عنوان بزرگیه برایش. سناریوی مسخره برای عبور از جمهوری اسلامی، منتها الان دورش حلقه زدن، راست در خارج کشور نیروهایی دورش حلقه زدن که منفعتی در حفظ نظام کاپیتالیستی ایران، بدون ولی فقیه دارن، نیروهایی پشتش حلقه زدن که امید و اعتقادی به قدرت پایین ندارند

نامه‌ای مشترک از زندان اوین خطاب به فعالان و جامعه

تأمین نان، امروز به بزرگترین دغدغه‌ی مزدبگیران بدل شده است. تعمیق انبان مفسدان اقتصادی، اختلاس‌گران و طراران اقتصادی از یک سو و تحریم‌های ضدانسانی زورمندان اقتصاد جهانی از سوی دیگر سفره‌ی زحمتکشان را بیش از پیش کوچک کرده است. فرودستان جامعه در جدالی نابرابر برای کسب و حفظ کار و همچنین برای دریافت دستمزد معوق، سعی می‌کنند از اندک‌داشته‌هایشان در برابر صاحبان قدرت و ثروت، محافظت کنند. اعتراضات کارگران هفت‌تپه نمونه‌ای از این جدال بود که بر پایه‌ی مطالبات به‌حق کارگران شکل گرفت؛ اعتراضاتی که پژواک خواسته‌های صنفی جامعه و گریز از درد بود. آنها نسبت به وضعیتی معترض بودند که با شدت و ضعف



منقلاوت، زندگی تمامی مزدبگیران از جمله ما را به بن‌بست اقتصادی کشانده. ما نیز به‌عنوان بخشی از جامعه که متأثر از این شرایط اقتصادی بودیم خواسته‌های به حق کارگران را خواسته‌های خود می‌دانستیم و از آنها حمایت کردیم.

اما برخوردی که نیروهای امنیتی با بهانه‌ی ضد «امنیت ملی» بودن اعتراضات کارگران، با کارگران و با حامیان کارگران کرد، شدیدتر از حد سابق بود. برخوردی که منجر شد به بازداشت‌های طولانی‌مدت (به عنوان مثال از بازداشت موقت ساناز الهیاری و امیرحسین محمدی‌فر بیش از هشت ماه می‌گذرد)، تحمل سلول‌های انفرادی حتی بعد از انجام مراحل بازجویی، انتقال خواهرانمان، #عاطفه رنگریز و #سپیده قلیان، به زندان قرچک (به‌عنوان تنبیه بیشتر یا تبعید)، تعیین وثیقه‌های سنگین دو میلیاردی و اجرایی نکردن آن و دست آخر صدور احکام سنگین.

شعبه‌ی ۲۸ دادگاه انقلاب در یک روند کاملاً ناعادلانه بدون کوچک‌ترین توجهی به دفاعیات ما و وکلایمان، صرفاً با تکیه بر توصیه‌های ضابطین پرونده، احکام سنگین و کم‌سابقه از ده سال و نیم تا هجده سال صادر کرد و در این میان، ندا ناجی، دیگر بازداشتی روز کارگر، منتظر برگزاری دادگاه است و در بلا تکلیفی به سر می‌برد.

زندانی‌شدنمان و این احکام، در یک لحظه هر آن چیزی را در آستانه‌ی فروپاشی قرار داد که برای به دست آوردنش به درازای عمرمان تلاش کرده بودیم؛ عشق‌هایی که به فراق انجامید، تحصیلاتی که ناتمام ماند و سرپناه‌ها و شغل‌هایی که از دست رفت، جسم‌هایی که تحلیل رفت... و بعد رد اشک مادران منتظر عدالت، همراه لحظه‌هایمان شد.

اما آنچه این رنج را دوچندان می‌کند دیدن تبعیض عریانی است که در مواجهه با برخی مفسدان اقتصادی و رانتخواران در نسبت با پرونده‌ی فعالان اجتماعی، کارگری و روزنامه‌نگاران در پیش گرفته شده است؛ تبعیضی که فرد را چنان ناامید از برقراری عدالت می‌سازد که در مقابل عدالتخانه ناگزیر به قمار با جان خود می‌شود.

هرچند تاکنون جز بی‌عدالتی نصیبمان نشده، هرچند در بازداشت‌های «موقت» طولانی به سر می‌بریم، هرچند احتمال اجرای احکام ناعادلانه و سنگین از جان و روانمان می‌کاهد، اما شوق به زندگی، میل به آزادی، و شغف دوباره زیستن در کنار عزیزانمان امیدبخش لحظه‌های ماست؛ چونان خواهران و برادران برابری‌طلبمان که سال‌ها، روزهای تاریک حبس را با همین امید سپری کرده و می‌کنند. صدای دادخواهی شما از قوه قضاییه، واکنش‌های بسیاری را برانگیخت، از جمله واکنش رئیس این قوه مبنی بر رسیدگی منصفانه به احکام صادره از شعبه‌ی ۲۸. صدای حق‌خواهی‌تان روزنه‌ای از امید را نه فقط در دل ما بلکه برای تمام کسانی گشود که به ناحق در بندند. تسکین ما، تداوم صدایی است که به دادخواهی از بطن جامعه برخاسته و امیدواریم که شنیدن این صدا از سوی متولیان قضایی منجر به اجرای عدالت انسانی شود.

دلگرمیم به صداقت تلاش‌های شما برای آزادی بی‌قید و شرطمان.
شهریور ۹۸ زندان اوین
ساناز الهیاری
عسل محمدی
مرضیه امیری قهفرخی
ندا ناجی

سپیده تولدت مبارک



امروز خورشید از هر روز دیگر داغتر و درخشانتر است؛ امروز کارگران رادیکال و سوسیالیست به خود می‌بالند، طهورا گرچه برای اولین بار تنهایی وسایلش را تهیه کرده تا به مدرسه برود، اما او نیز افتخار می‌کند چرا که تولد توست. سپیده تو نه امروز، بلکه از آذر ۹۷ هر روز به دنیا آمده‌ای، در هر اعتراض کارگری و عصیان زنانه‌ای دوباره زاده شدی چرا که با جسارت شجاعتت یکی از سمبل‌های نسلی شدی که «نه» گفتن را هر روز با صدای بلند تکرار می‌کنند.

سپیده تو همان روزی دوباره زاده شدی که برای اولین بار از زندان آزاد شدی، ولی ساکت نه. همان روزی که در مقابل سرخوردگی دوستان قاطعانه فراخوان دوباره ایستادن را صادر کردی. همان زمان که افشا کردی شکنجه‌هایی که خودت و اسماعیل دیدید. دقیقاً در روزی که سوزاندی سناریوی سوخته وزارت اطلاعات را. سپیده میلاد تو در شناسنامه اول مهر ولی در واقع در همان لحظه‌ای است که جرعه شورش دوباره زده می‌شود.

زاده شدن آن هنگام بود که بازداشتت را خودت توییت کردی؛ دستگیر شدی ولی از قبل آن را پیش بینی کرده بودی به همین دلیل بازداشتت به سکوت نینجامید. تو همانی هستی که فایل صوتی از خود به جا گذاشتی که صادقان، رییس اداره اطلاعات شوش را از کار بیچار کرد. در همان لحظه‌ای که زیر فشار دوباره بودی، ویدیویی ۱۲ دقیقه‌ای منتشر شد و قاطعانه گفتی: «کمونیستم مگه چیه؟». «در همان لحظاتی که دست آموزان نظم حاکمه تپانچه‌های مجازی خود را علیه‌ات پر کردند، ترور که نه، دوباره متولد شدی.

نامت را امروز هر کارگر شورشی می‌داند، زنان رادیکال شجاعتت را می‌ستایند و سیه‌رویان دوران از وزارتخانه تا اقصی نقاط جهان کینه تو را هر روز از نو به دل می‌گیرند. تو به نسلی پیوستی که تاریخ مبارزه طبقاتی نامت را در خود جای دهد، در کنار اسماعیل و نجاتی و خنیفر و گامی‌ها شوری یک ماهه آفریدی که قاضی دادگاه انقلاب از فرط کینه برایتان یک قرن و ۱۰ سال حکم بدهد!

سپیده تولدت مبارک، در اعماق زندانی که تبعیدگاه می‌خوانندش و تو از رنج زنان آن جا گفتی که هر روز شلاق ستم را تحمل می‌کنند. حتی وقتی دادستان شهر ری به قرچک آمد تا خواسته‌های تو را بشنود، انگشتت را به سوی همه هم بندان گرفت و گفتی: آن‌ها بیشتر از من مشکل دارند، مشکل من مشکل همه آنها است.

نقاشی سیاه قلم از: مریم رضانی گیوی (رونیا)

مزه شیرین عدالت!



- #مزه شیرین عدالت - اسماعیل بخشی، کارگر هفت تپه: ۱۴ سال حبس تعزیری
- سپیده قلیان، حامی کارگران هفت تپه: ۱۹ سال و ۶ ماه حبس تعزیری
- امیرحسین محمدی فرد، سر دبیر نشریه گام: ۱۸ سال حبس تعزیری
- عسل محمدی، عضو تحریریه نشریه گام: ۱۸ سال حبس تعزیری
- ساناز الهیاری، عضو تحریریه نشریه گام: ۱۸ سال حبس تعزیری
- امیر امیرقلی، عضو تحریریه نشریه گام: ۱۸ سال حبس تعزیری
- محمد خنیفر، کارگر هفت تپه: شش سال حبس تعزیری
- #مزه شیرین عدالت #اسماعیل بخشی
- #سپیده قلیان #عسل محمدی #ساناز الهیاری
- #امیرحسین محمدی فرد #محمد خنیفر
- #امیر امیرقلی

#maryamroniya #سیاه قلم
#رحمتکشان #کارگران #کارگران هفت تپه
#اختلاس #بی عدالتی

فوبیا
شیمما مقدم

فوبیا به طور کلی یک ترس غیر منطقی را تعیین می کند ، در مورد همجنسگرایان ، این واژه به یک نگرش از ناسازگاری خفیف تا نادیده گرفتن افرادی که از لحاظ جنسی یا رمانتیک به افراد مشابه جنسی جذب می شوند ، اشاره می کند . این نگرش نسبت به همجنسگرایان به طور گسترده ای در بین فرهنگ ها متفاوت است که رابطه جنسی بین همجنسگرایان را رد می کنند .

به این نگرش ، تعصب جنسی نیز گفته شود. به نظر می رسد این تعصب جنسی به تمام نگرش های جنسیتی منفی اشاره دارد. هم به همجنس گرایان و هم به افراد دوجنس گرا.

هموفوبیا بر خلاف فوبیاهای دیگر یک بیماری نیست و بیماری دانستن آن فقط از افرادی که دچار هموفوبیا هستند سلب مسئولیت می کند زیرا افرادی که دچار بیماری فوبیا مثلا در مورد حیوانات هستند از برخورد با آن حیوانات دچار تپش قلب شده و خود تمایلی به داشتن این فوبیا نیستند اما افراد دچار هموفوبیا حاضر به نداشتن این فوبیا نیستند.

نبود آگاهی کافی در مورد همجنسگرایی در ایران، غفلت خانواده‌ها، افشار مختلف جامعه و حتی روانشناسان و روانپزشکان

دارد. همجنس گرایان می توانند مانند سایر انسان ها نیازهای زیستی و عاطفی خود را در روابطشان برطرف کنند و عملکرد مناسبی در سطح فردی و اجتماعی داشته باشند.

بیش از چهل سال از زمانی که همجنس گرایی از فهرست بیماری های روانی حذف شد ، گذشته است. با این حال به دلایل زیادی از جمله نا آگاهی، تعصبات مذهبی ، پیش داوری ها و تبلیغات دروغین در ایران؛ در این زمینه به مردم آگاهی داده نشده است .

عدم شناخت صحیح و در پی آن رفتارهای ناشایست و بی حاصل با همجنس گرایان ، حاصلی جز هدر رفتن نیروهای فردی و اجتماعی نداشته و نخواهد داشت. در انزوا قرار دادن و سلب حقوق اجتماعی و قانونی همجنس گرایان ، تنها سبب از دست دادن بخش مهمی از نیروی انسانی جامعه میگردد. درحالی که شناخت و پذیرش همجنس گرایی میتواند سبب شود اقلیت توانمندی که هم اکنون منزوی و سرکوب شده هستند، بتوانند نقشی مثبت در پیشرفت جامعه ایفا کنند.

همجنس گرایان مایل به برقراری رابطه با افراد بالغ همجنس و همنوع خودشان هستند و نباید آنها را با افراد پدوفیل(بچه باز) یا متجاوز اشتباه گرفت.

ایرانی باعث مشکلاتی برای نوجوانان و جوانان همجنس گرا شده است.

مهمترین نتیجه نبود آگاهی و مهم تر از همه، ترس از گفتگو و بحث درباره هر پدیده اجتماعی در جامعه موجب غفلت نادرست مردم و حتی متخصصین درمورد آن پدیده می شود و امروز در ایران تابوی بحث درباره همجنسگرایی، چه در رد و چه در قبول آن به خصوص در رسانه های رسمی کشور، در مجامع علمی و همچنین خانواده ها موجب تقویت هموفوبیا در ایران شده به طوری که جوانان همجنس گرا بسیاری خود دچار هموفوبیا می باشند و حتی گاهی تا مرز خودکشی پیش می روند

همجنس گرایی یک پدیده مادرزادی است، افراد نقشی در انتخاب هویت و گرایش جنسی خود ندارند و نمی توان هویت و گرایش جنسی افراد را چه از همجنس گرا به دگرجنس گرا و چه از دگرجنس گرا به همجنس گرا تغییر داد. همجنس گرایان اقلیتی هستند که گرایش عاطفی و جنسی آنها فقط به همجنسان خودشان است . هیچ خطری از سوی همجنس گرایان و سبک زندگی آنها سایرین را تهدید نمی کند . بر اساس نظر سازمان های معتبر بهداشت روانی، و سازمان بهداشت جهانی، همجنس گرایی یک بیماری نیست، بلکه یک وضعیت استثنائی مادرزادی است که به غیر از انسان در بسیاری از گونه های جانوران نیز وجود

پارلمان اروپا خواستار پایان دادن به سرکوب زنان در ایران شد!

نمایندگان پارلمان اروپا روز پنجشنبه، ۲۸ شهریورماه، به اتفاق آرا به قطعنامه‌ای در محکومیت کارنامه حقوق بشری جمهوری اسلامی رای داده و خواستار پایان دادن به «سرکوب زنان» در ایران شدند. نمایندگان پارلمان اروپا روز پنجشنبه، ۲۸ شهریورماه، به اتفاق آرا به قطعنامه‌ای در محکومیت کارنامه حقوق بشری جمهوری اسلامی رای داده و خواستار پایان دادن به «سرکوب زنان» در ایران شدند. نمایندگان اروپایی در این قطعنامه علاوه بر تاکید بر لزوم آزادی برای زنان، همچنین خواستار آن شده‌اند که تمام شهروندان دوتابعیتی ایران و اروپا که در ایران زندانی‌اند بدون فوت وقت آزاد شوند.



اما در چند هفته گذشته خبری دیگر بیش از همه محدودیت‌های زنان در ایران را برجسته کرده و به گوش رسانه‌های خارجی رسانده است: دخترآبی. سحر خدایاری، معروف به «دختر آبی»، ۱۱ شهریور امسال، در واکنش به تشکیل پرونده قضایی به خاطر ورود به ورزشگاه آزادی، مقابل یکی از داسراهای تهران خودش را به آتش کشید و بعد از چند روز درگذشت.

در واکنش به موج اعتراضی که این خبر برانگیخت، رسانه‌های حکومتی تلاش کردند با تاکید بر این که او هنوز محکومیتی نداشته چنین وانمود کنند که خودسوزی او بر اثر «بیماری روحی و روانی «بوده و» ربطی به رفتنش به استادیوم آزادی نداشته است.»

تاکید فیفا بر حضور زنان در ورزشگاه های ایران!
ایفانیتو رئیس فدراسیون جهانی فوتبال تاکید کرد که خواسته فیفا مجوز ورود زنان به ورزشگاه ها در ایران است. در بیانیه ای که روز پنجشنبه ۲۸ شهریور در سایت رسمی فیفا منتشر شده است، جیانی ایفانیتو گفت که من امیدوارم فدراسیون ایران و مقامات ایرانی، تماس های مکرر ما برای رسیدگی به این وضعیت غیرقابل قبول را پذیرفته باشند. فیفا تاکید کرده است که موضع این فدراسیون جهانی روشن و استوار است و آن مجاز شدن حضور زنان در ورزشگاه های فوتبال ایران است. ایفانیتو به بازی های خانگی ایران در چارچوب مسابقات مقدماتی جام جهانی اشاره کرده و گفت که «اکنون زمان تغییر شرایط است و

غروب سحر
م.ش (هستی)



روزگار غریبی است نازنین، این روزها با تمام ساعاتش، دقیقه هایش و ثانیه هایش با تو همزاد پنداریمیکم ثانیه ای که سراسر در د و عذابی بی مثال بودیرایت میپرسند چه باعث شد این عذاب را انتخابکنی سوالي ساده ا

قصه سوختن تو قصه غصه های انباشته سال هامحرومیت از ابتدایی ترین حقوق و بست قید و بندهای متحجرانه بر دست، پا و افکار و دخالت درجزئی ترین حریم خصوصی ات بو قصه قانونحکومتی است که به بسیاری از زشت ترین واژه هامعنی الهی با عنوانهای وا جب مستحب و مقدسبخشید واژه هایی همچو ن تجاوز جنگ غارت ترور قتلو زندان و وی رانی و ضد ارزشهای را ارزش و ارزشها ر ا ضد ارزش جلوه داد.

آتش و نوری که جسم تو متصاعد کرد جهان رامتوجه این سیاه چاله کرد. سحر عزیز غر وبت نوری دراین سیاه چاله تابانده و امید اس ت با این سوختن وروشنایی، سحری باشی بر ظلمت این تاریکی مطلقتاریکی ای که محی طی زیست هیولاهای انسان نماییاست که هی چ حق و ارزشی برای انسانیت زنها وکودکا ن حیوانات و طبیعت و هر آنچنان جزء خودت اناست قائل نیستند.

سحر عزیز امید است در آینده ای نه چندان د ورامیدهایمان به بار بنشیند، و دیو برود و اما آن فرشتهکه میگفتند نباید بلکه کسانی بیایند ک ه انسانیت را به ارمان بیاورند.

ست اما پر از معنی درد و حسرتکه نشان دهن ده آدمهای جامعه ای است که دیگرخیلی از ا رزشهای انسانی را در قالب سؤال و جوابجو یا میشوند.

خواهرم سحر از روشنایی روز روشنتر اس ت که برایندیدن و راه ندادنت به بگ مسابقه و رزشی و چند روززندان و بازداشت، آتش ب ر پیکر خود نپوشاندي بلکهآتشی که تو را سو زاند سالهاست از درون تو، من وامثال ماها را سوزانده و تو دیگر تحمل این مهمسوختن را نداشتی آتشی که بنا شده بر جهل، نفرت و شهوانیت فرقه تبهکار مکتبی هزار و چندساله که برابرضای تفکر جنون آمیز و بیمارشان اندیشه ها زبانتها،نگاهها و حتی نفسها را به گروگان میگیرند. آری قصهعصریست به اس م عصر مدرنیت، رسانه و دهکدهجهانی اما این گوشه دنیا همین نزدیکی هیچ خبری از ای ن واقعیات نیست اینجا فقط اسارت است و خ ففانو جولانگاه انسانهای تکامل نیافته ای است که حداقل ۱۴۰۰ سال از قافله بشریت عقب م انده اند و روحانسانیت در آنها جز سیاهی رذ گي دیگر به خود ندیدهبله عزیزم ما در سیاه چاله ای به عمر چند ده سالگرفتار آمده ایم.

عبور از نظام اسلامی با کدامین ابزار؟
ادامه ی صفحه ی 6

از قدرت پایین بیشتر میترسند، تا قدرت سپاه و زندانها و وزارت اطلاعات، نیروهای پشش حلقه زدن که امیدوارند وقت بخرند تا تعرض پایین که کار حکومت را یکسره نکنه، منتها خارج از آنها، بنظر من همانطور که گفتم هر کسی باین طرح نگاه کنه، میگه امیدوارم حالشان خوب بشه، اینها لابد مشکلی دارند، لابد از فضای دیگری آمده اند و یا مشاعرشان درست کار نمیکنه.

مینو همتی: لیستهای چهارده نفره میآیند و میروند، تکلیف جنبشهای کارگری همانند هفت تپه، فعالیتهای زنان و دانشجویان و معلمان در قبال رژیم سراپا فساد و سرکوب چه خواهد بود؟

ثریا شهابی: درسته این لیستها و سناریوهای قفتوس و پروژه های رژیم چنج و تلاشهایی برای جنگ و تخریب و تحریم میاید و میروند، پس تکلیف پایین چی میشه؟ تکلیف جنبش رهایی زن یا جنبش طبقه کارگر، هفت تپه، فولاد، و بقیه مراکز کارگری و تکلیف جامعه چی میشه؟ بنظر من تکلیف اینه که راه خودشان را بروند، پشت کنند به این تحرکات، و حتما افزایش کنند و از همه دعوت کنند که به حمایت از

تلویزیونی زددی اف آلمان گفت پرسشی که مطرح شد و پاسخی که آقای ظریف داد، باعث نوعی دستپاچگی در میان هیئت همراه وزیر خارجه ایران شد. حتی در نسخه نوشتاری این کنفرانس خبری که پس از پایان آن منتشر شد، این پرسش و پاسخ دیده نمی شود. به گزارش شبکه تلویزیونی فاکس نیوز، محمد جواد ظریف در پاسخ «پل روزنهایمر» گفت: هر جامعه ای اصولی دارد و ما طبق آن اصول زندگی می کنیم. اینها اصولی اخلاقی هستند که در کل به رفتار مردم مربوط می شود. معنی اش این است که به قانون احترام گذاشته می شود و از قانون اطاعت می شود. در گزارش سالانه حقوق بشر ایالات متحده، از جمهوری اسلامی و عربستان سعودی به عنوان دو کشوری که با همجنسگرایان بد رفتاری می کند، یاد شده است. در برخی گزارش ها آمده که جمهوری اسلامی همجنسگرایان را با اعدام مجازات می کند. مقام های جمهوری اسلامی گاهی مثل محمود احمدی نژاد از اساس وجود همجنسگرایی در ایران را رد می کنند و یا مثل محمدجواد ظریف، برخورد با آنها را جزو اصول اخلاقی جامعه ایران می دانند.

محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران، از مجازات اعدام برای همجنسگرایان دفاع کرد
اصغر کامروا



در جریان کنفرانس خبری هایکو ماس وزیر خارجه آلمان با محمد جواد ظریف وزیر خارجه ایران که در تهران برگزار شد، خبرنگار همجنسگرای بیلد آلمان در میان پرسش های اتمی و تحریم و اقتصاد، از وزیر خارجه ایران پرسید چرا همجنسگرایان در ایران به دلیل گرایش جنسی خود اعدام می شوند. خبرنگار شبکه

جنبشهای آنها بر خیزند، تا ببینند که ایران برهوت سکوت نیست، آگه کسی میخواد در عالم سیاست در ایران نقشی ایفا کنند، باید بیاد به این جنبشهای پایین در جامعه ببیوندند و تقویت کنند. کسی مثل آقای نوری علا میگه آگه اینکار را نکند کمونیستها رشد میکنند، چون دیکتاتوری پرولتاریا میاد و اسم سوسیالیزم را میگذارند پرولتاریا که مردم را بتزسانند، گفتن اسم دموکراسی پارلمانی را نمگذارند هیتلر. این بیانیه 14 نفره بنوعی خجالتی همون آلترناتیو جنبش قبلیه که در خارج کشور روی پروژه های ترامپ و پمپو سرمایه گذاری کرده بود. این بیانیه میخواد آلترناتیو دیگری را از درون سازمان بده، در مقابل جنبشی که اعضای میلیونی داره و الان در حرکته، و اینها میخوان آلترناتیویی بسازند، راه ما اینست که جنبش رهایی زن، جنبش آزادی و برابری و طبقه کارگر و معلمین و دانشجویان و بازنشستگان و بیکاران و محرومان راهشان را از اینها جدا کنند. آگه امروز جدا نکنند، فردا دیر است، این دو تا حرکت نه تنها در کنار هم، بلکه در مقابل همند. دو تا حرکت به موازات هم، مال دو تا جنبش نیست. شما ممکنه دو تا حرکت مال دو تا طبقه بموازات هم داشته باشید و اینها در مقابل هم، نباشند، فرض کنید مثلا ممکنه برای حفظ محیط زیست بالاخره یک حزب کمونیستی آگه به برنامه ای داشته باشه و به حزب دست راستی به برنامه دیگری داشته باشه و بیاد بگه شما بروید و کار خودتان را انجام بدید و ما کار خودمان را میکنیم چون من کار شما را قبول ندارم، در اینصورت اینها بموازات هم نیستند بلکه در مقابل همند. طبعا جدال ما با جمهوری اسلامی ولی توی دل این جدال باید با نسخه هایی که توی آب نمک خواباندند که یک جمهوری خوش خیمر یا این دفعه یک جمهوری ایرانی برایتان بیاورند. به نظر من آقای نوری علا خیلی خوب بیان میکنه، ضد سوسیالیسته باید است را از حالا بگه، در نتیجه جنبش پایین هم باید از حالا بگه که این نسخه ها را قبول نداریم. و بگن جمهوری ایرانی میخواید بسازید که همین منجلا ب را منهای خامنه ای با یک مشت ادعاهای کنوانسیونهایی که همشون را جمهوری اسلامی امضا کرده، کنوانسیون حقوق بشر و علیه خشونت علیه زنان و حقوق کودکان همه را امضا میکنه ولی فقر و فلاکت و نکبت از سر و کول جامعه بالا میرود، چرا؟ برای اینکه شما باید تولید را سازمان دهید. تولید را چطوری سازمان دهید؟ چطوری حقوق کارگر را میدی؟ و چطور دستمزد کارگر بالا میره؟ که باندازه یک شهروند متوسط الحال مرفه و

آزاد، امکان استراحت داشته باشه، امکان مرخصی داشته باشه و کودکش از مدرسه و بهداشت و مسکن مناسب برخوردار باشه، اینها را چطور میدید؟ با کدام تولید؟ اینها همه را میبرند پشت صحنه، بعدا برای اینکه بگن که اینها را حالا وایسین ببینیم چطور میشه و سرمایه گذاری بکنه، و 40 سال دیگه هم بخاطر مام میهن بیاید گرسنگی بکشید که سرمایه داری ایران نجات پیدا کنه، راه حل دار، راه آزادی زن، رهایی زن، رفاه و امنیت و آزادی طبقه کارگر و همه محرمان جامعه ایران گسترش این مبارزاتی که در جریانیه و به اعتقاد من سوسیالیزمه، در نتیجه راه ما روشنه، راه ما رفتن و مبارزه کردن برای خواستههای خودمانه و فاصله گرفتن از این نسخه ها، علاوه بر چپ و سوسیالیستی که تعدادشان وسیعا در میدانند و تعدادشان در ایران بسیار زیاده امروز، شما میبینید که چهره های برجسته ای چون سپیده قلیان، ساناز الهیاری، آنیسا اسدالهی، عسل محمدیها و ندا ناجیها و عاطفه رنگریها و مرضیه امیری و منیره عربشاهی ها و دهها نام فعالین مهم و سرشناس را امروز روی زبانها داریم که در مرام این تحرکهاست. اینها در صحنه سیاسی جایی ندارند. برای اینکه از پایین میجنگند خب پایین باید خودش را صاحب کسب قدرت سیاسی بکنه باید خودش را بکشونه بجایی که بگه من فردا تعیین میکنم که آینده ایران چه خواهد بود، شما برای من تعیین نکن من توی شوراها مردمی تعیین میکنم که آپارتاید جنسی را جمع میکنم. توی محلات هم، توی محل کارم و به قدرت خودم، شما میخواید کار لابی را بکنید؟ بیایید از من حمایت کن، چرا من بشم سرباز تو؟ شما میخواید لابی کنی؟ هیچ ایرادی نداره، خوبه، شخصیتهای ریزش کرده 2 خرداد و از خاتمی و از خامنه ای عبور کرده و پشیمون شده و هر کسی که از کمپ راست هست، از این جنبش دفاع کنه، من چرا پیام بتو ببیوندم؟ شما بیا و دفاع کن، کمپین راه بندازید، بیایید از ما دفاع کنید. بیایید از جنبشی که توی محل کار و زندگی امروز توی زندان ها داره دست و پنجه نرم میکنه با جمهوری اسلامی، بیایید دفاع کنید آنها اون شخصیتهایی که امروز صحنه گردان هستند در ایران، آنها میخوایند اینها را بکنند سربازان خودشان، ولی نمیتوانند همچین کاری را بکنند، چون جنبش ما باید بگه، خودم رهبری خودم را تامین میکنم و رهبر برای من نتراشید، رهبری من توسط مکانیسم خودم و شوراها مردمی هست. در مجامع عمومی هست و به قدرت خودم، شما اگر استقبال میکنید پس حمایت کنید و برای من شاهزاده

سوار بر اسب سفید درست نکن که لابی کنه با خامنه ای و بگه ما با سپاه مملکت را اداره میکنیم، بازم تاکید میکنم اینها آینده ای ندارند، این در مقابل تحرک، تحرک از پایین برای رهایی زن است در برابر مقابل برای دست یابی طبقه محروم و کارگر توی ایران برای برخورداری از حداقل زندگی، چشمش به منتهای درون حکومتی و قدرت سپاه و دسته جات مافیای قدرت و پول بالا، چشمش به آن دوخته است، اگر نه، قدرتش را از کجا میخواید بگیره؟ پایین که نمیدانند اینها بیفته، چشمش به همان مافیای قدرته و به پایین هم میگه تو حق نداری مسلح شوی، حق نداری دست به اسلحه ببری، حق نداری پایت را از گلیمت درازتر بکنی و اعتراض بکنی. چرا؟ برای اینکه امیدش، سازمانش، قدرتش، نیروی نظامیش، پولش و باندهای قدرت هستند، میدونه که توی سپاه کیا هستند و توی مافیای اقتصادی و مافیای خرید و فروش زمین کیا هستند؟ پول و ثروت و اسلحه داره، به قدرت آنها میخواد تغییر ایجاد کنه، معلومه میخواد چه تغییری ایجاد کنه، بهر حال اینها آینده ای ندارند، این پروژه هم میسوزه، بخاطر جنبشی که در حرکت و تپشه، مگر اینکه آنرا خفه کنند، که نمیتوانند خفه اش کنند، منتها این باعث نمیشه که از کنارش بی اعتنا گذشت، باید بی ربطیش را به جنبش رهایی زن، مهم نیست که چند زن توشه و مهم نیست که بیانیه های مشعشع بدهند سر سکولاریزم و آپارتاید جنسی، میخوایند با کدام جنبش، چطوری میخوای جلوی خلع ید از حکومت ضد زن را میگیری و میخوای آزادی زن را بیاری؟ این کلاه خیلی بزرگی است. به نظر من باید افشایش کرد، برای تمام جنبشها و انقیاد اقتصادی که منشا تمام این فجایع و انقیاد اقتصادی و محرومیتها برای رهایی از تمام اینها باید در مقابل اینها ایستاد و راه خودمان را بریم، با متشکل شدن در ارگانهای قدرت خودمان را بریم، و با قدرت خودمون یک جامعه مرفه و آزاد را برای همه بسازیم ولی نسخه ای که دارند میپنچند، جز گذاشتن یک کلاه گنده بر سر جنبشی که در جریانیه، نیست و این کلاه خیلی گشاده و جامعه به اینها بی اعتناست و بدیده شک به اینها نگاه میکنه، منتها باید اینها را افشا کرد.

مینو همتی:

ثریا شهابی عزیز با سپاس از اینکه نظراتت را با بینندگان ما سهیم شدید.

(با سپاس از مرضیه آدمی برای پیاده کردن متن مصاحبه)



Amir Hossein Mohammadi Fard
امیر حسین محمدی فرد

انتقال امیرحسین محمدی فرد به سلول انفرادی در اعتصاب غذا

امیرحسین محمدی فرد در اعتصابش در اعتراض به محدودیت هایی که از سوی "ضیایی" رئیس زندان اوین و "فکری" جانشین کل و "سلمانی" معاونت اجرایی زندان بر او اعمال شده است را در سلول انفرادی سپری می کند. مسئولین زندان پس از چند نوبت تهدید به تبعید از زندان اوین وی را به بهانه انتقال به درمانگاه با دستبند و پابند به سلول انفرادی منتقل کرده اند و حتی با وجود وخامت حال و درد فراگیر در بدن محمدی فرد مورد معاینات پزشکی قرار نمی گیرند. این اقدامات ضد انسانی مصداق بارز شکنجه روحی و جسمی می باشد.

عدم ترخیص نوزادان خانواده اهوای به دلیل عدم توانایی در پرداخت صورتحساب بیمارستان



خبرگزاری هرانا - چهارقلوی اهوای به دلیل ناتوانی خانواده در تامین هزینه ترخیص در بیمارستان مانده اند. از میان نوزادان این خانواده، یک نوزاد به دلیل نارسایی از دست رفته و به دلیل عدم توانایی خانواده در پرداخت صورتحساب، همچنان در سردخانه بیمارستان نگهداری می شود. پدر این خانواده می گوید: "به مسئولان بیمارستان اعلام کردم که توان پرداخت هزینه را ندارم اما آنها برای ترخیص خواستار پرداخت هستند".

ممنوعیت موتورسواری زنان، دامن اورژانس اجتماعی را می گیرد؟

رضا جعفری، رییس اورژانس اجتماعی می گوید، تعداد اتوموبیل های این اورژانس کفاف رسیدگی به آسیب های موجود در شهرها را به ویژه تهران را نمی دهد:



یکی دیگر از برنامه های ما بحث موتوری کردن اورژانس اجتماعی است. لذا جهت تسریع و سهولت دسترسی به افراد در معرض آسیب و آسیب دیده اجتماعی بویژه در موارد اقدام به خودکشی و خشونت های خانگی مانند کودک آزاری، بحث موتوری کردن خدمات اورژانس اجتماعی ضروری است اما محدودیت عمده ای که در این زمینه وجود دارد این است که ۷۰ درصد از همکاران ما در اورژانس اجتماعی زن هستند. بعنوان مثال برای انجام ماموریت ها از طریق موتور باید دو نفر از خانم ها اعزام شوند که در شرایط فعلی بدلائل گوناگون امکان پذیر نیست لذا به فکر چاره جویی برای حل این مشکل هستیم تا با رعایت جمیع جهات بتوانیم این مساله را حل کنیم.

تلخ اما واقعی/ ترک تحصیل ۲۰۰ دانش آموز در کهگیلویه و بویراحمد/ جواد حیدریان، روزنامه نگار

امروز سومین روز همراه مردم روستای شوتاور در منطقه «چاروسا» کهگیلویه، به دلیل تعطیل کردن دبیرستان دخترانه، مانع ادامه تحصیل ۲۰۰ دانش آموز ابتدایی و راهنمایی خود شده اند. روستا ۱۵۰۰ نفر جمعیت دارد و سال پیش دبیرستان پسرانه به بهانه جمعیت تعطیل شد و امسال دخترانه.



یکی از اهالی این روستا که معلم است به من گفته که مردم به این دلیل مانع مدرسه رفتن ۱۲۰ دانش آموز ابتدایی و ۸۰ دانش آموز راهنمایی این روستا شده اند که می دانند فرزندان شان برای دبیرستان یا باید ترک تحصیل کنند یا به مناطق دیگر بروند. بنابراین بهتر است دیگر ادامه تحصیل ندهند. آموزش و پرورش گفته در نزدیکی این روستا شهر قلعه رئیسی است که بچه ها برای ادامه تحصیل می توانند به خوابگاه بروند. ولی مردم می گویند حاضر نیستند چنین کنند. سازمان پیشنهادها برای مختلط شدن دبیرستان را با توجه به جمعیت دختران و پسران دبیرستانی نپذیرفته و دبیرستان بسته شده است.

مقابله با خشونت علیه زنان با حذف واژه "زن"

لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت پس از بررسی دو ساله در قوه قضاییه با تغییر نام و با عنوان "لایحه صیانت، کرامت و امنیت بانوان در برابر خشونت" برای تصویب به هیئت دولت رسید.



مطالب، نشریه ها و مصاحبه های تلویزیونی سازمان رهایی زن را می توانید از طریق آدرس

های زیر دنبال کنید و با ما همراه باشید

سایت نشریه رهایی زن

<https://rahaizanorg.blogspot.com>

آرشیو مقالات

<http://rahai-zan.blogspot.com>

برنامه های تلویزیونی و مصاحبه ها

<https://www.rahaizan.tv>

تلگرام رهایی زن

@rahaizan

تلویزیون رهایی زن از "کانال یک" روی ماهواره "هات برد" هر هفته دوشنبه ساعت

20:30 و چهارشنبه ساعت 15:00 بازپخش برنامه به وقت تهران می توانید پهنده

تلویزیون رهایی زن باشید.

فرکانس ماهواره:

Chanel One- Hatberd

HoT BIRD

Frequency 11541 vertical

Symbol Rate: 22000

PoI V

FEC 5.6



برای همکاری و تماس با نمایندگان سازمان رهایی زن در کشورهای مختلف

نروژ: شادی و رویاک مطیعی

تلفن تماس: 004790474027

ایمیل: motiei_rojan@yahoo.com

سن دیگو جنوب کالیفرنیا: فیروزه فرهی

تلفن تماس: 858-531-1344

ایمیل: firouzeh.farrahi@yahoo.com

Location: 5240 fiore TER #213

San Diego"Ca 92122

جلسات کانون رهایی زن هر دوماه یکبار برگزار میشود و از طریق فلایر و ایمیل به اطلاع همگان خواهد رسید.

دیگر نقاط آمریکا: مینو همتی

ایمیل: MinoHemati@GMail.com

سوئد-استکهلم: رعنا کریم زاده

تلفن تماس: 0046739286842

گوتنبرگ: وریا نقشبندی

تلفن تماس: 0046705827583

0046705827583

ایمیل: verya.1360@gmail.com

سارا مرادی

تلفن تماس: 0046704499853

ایمیل: sara_tina2003@yahoo.com

آلمان: شراره رضانی

تلفن تماس: 00491737237038

ایمیل: Sharahrezaei.p@gmail.com